

نابرابری و استثمار

اما اگر کالاها بر طبق مقدار کاری که برای تولیدشان به کار رفته مبادله می شوند، پس چطور نابرابری از درون این برابری ایجاد می گردد؟ مارکس این معما را با فاش کردن طبیعت عجیب یکی از کالاها که در پایه ی سایر کالاها قرار دارد که همان نیروی کار باشد حل کرد. صاحبان ابزار تولید یعنی سرمایه داران نیروی کار را می خرند. این نیروی کار مثل تمام کالاهای دیگر بر طبق مقدار کاری که در آن سرمایه گذاری شده، یعنی آن مقدار وسایل معیشتی که برای ادامه ی حیات و باز تولید نیروی کارگر ضروری است، ارزش گذاری می شود.

این نیروی کار مثل تمام کالاهای دیگر بر طبق مقدار کاری که در آن سرمایه گذاری شده، یعنی آن مقدار وسایل معیشتی که برای ادامه ی حیات و باز تولید نیروی کارگر ضروری است، ارزش گذاری می شود. اما مصرف این کالا - یعنی نیروی کار - شامل کار که همان ایجاد ارزش های تازه است، می باشد. مقدار این ارزش ها بیشتر از آن ارزش هایی است که خود کارگر دریافت کرده و به مصرف حفظ خود می رساند. سرمایه دار، نیروی کار را می خرد تا آن را استثمار کند و همین استثمار سرچشمه ی نابرابری است.

مارکس، آن بخش از تولید را که به مصرف خود زنده گی کارگر می رسد، تولید - لازم می نامد؛ آن بخشی که کارگر علاوه بر این، تولید می کند تولید - اضافی است. تولید اضافی می بایستی به وسیله ی برده تولید می شد، در غیر

این صورت برده دار هیچ برده ای را نگاه نمی داشت؛ تولید اضافی می بایستی به وسیله ی رعیت تولید می شد، در غیر این صورت نظام ارباب و رعیتی برای زمین دار بزرگ بی فایده می بود؛ تولید اضافی، به طور گسترده تری، به وسیله ی کارگر مزدگیر تولید می شود، در غیر این صورت سرمایه دار نیازی به خرید نیروی کار نمی داشت. مبارزه ی طبقاتی هیچ چیز دیگری جز مبارزه برای این تولید اضافی نیست. آن که صاحب تولید اضافی است بر اوضاع آقایی می کند: صاحب ثروت و ملک است؛ کلید کلیسا، دادگاه، علم و هنر را در دست دارد.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴